



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران
مدرسه علمیه ریحانه
شهرستان اصفهان

تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق (ع)

گردآورنده:

سمانه بیدی

حوزه علمیه ریحانه

پاییز ۱۳۹۲



بسم الله الرحمن الرحيم

تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق (ع)

چکیده

بی شک جایگاه تعلیم و تربیت و علم آموزی در دین مبین اسلام، جایگاه بسیار ویژه ای است. زیرا که با بکارگیری روش صحیح تعلیم و تربیت افق روشنی برای کسب معرفت به خداوند و هستی و هر آنچه که نیاز به کسب علم دارد فراهم می گردد. از طرفی با نگاه به شخصیت علمی امام صادق (ع)، به زیبایی درمی یابیم که این بزرگوار روش ها و نکات بسیاری نظری را در تعلیم و تربیت شاگردان خود به کار برده اند. بنابراین این مقاله در پی پاسخ به این سؤال که روش کار امام و نکات مهم تربیتی ایشان چه بوده است، پدید آمده است. در طی این مقاله که در آن از روش کتابخانه ای استفاده شده است، این یافته حاصل شد که حضرت صادق (ع) با بهره گیری از علم لدنی خود به تربیت شاگردانی همت گمارده اند که به واقع می توان گفت هر کدام پای به گذار علم و مدنی ارزشمند بوده اند، مانند جابرین حیان که پدر علم شیعی لقب گرفته است. در دستگاه تربیتی ایشان بسیاری از افراد غیر شیعی نیز حضور دارند که نشان از عمق آزاد اندیشی و منطق پروری امام را نشان می دهد. همچنین مناظرات علمی گسترده امام با افراد مختلف غیر شیعی که در این مقاله چند نمونه از آنها بیان شده است بسیار جالب است. زیرا که در این مناظرات امام با منطقی قوی و علمی غنی به پاسخگویی پرداخته اند. ایشان در تکریم شاگردانشان نیز بسیار دقت به خرج می دادند. و این نمونه ها نکات زیبایی تربیتی امام را نشان می دهد. پس می توان نتیجه گرفت که امام صادق (ع) در ارائه الگوی کامل علمی و تربیتی، هم در عصر خود و هم آینده بی نظیر و ناب بوده اند. و برای این الگو سازی تلاش بسیاری کردند. شخصیت علمی بالای امام صادق (ع) نه تنها مورد توجه عالمان شیعی قرار دارد بلکه در همه قرون متمادی مورد توجه اکثر دانشمندان جهان است.

کلید واژگان: تعلیم و تربیت، شخصیت علمی امام صادق (ع)، تربیت شاگردان، مناظرات، الگو سازی.



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد بهنگیلات بود.

مقام منظم زبیری

فهرست مطالب

چکیده..... ۲

مقدمه..... ۵

بخش اول: معنای تعلیم و تربیت اسلامی

الف) تعریف تعلیم و تربیت اسلامی..... ۶

ب) تعریف علم از دیدگاه امام صادق (ع)..... ۶

بخش دوم: روش علمی امام صادق (ع)

الف) مؤلفه های روش علمی امام صادق (ع)..... ۷

ب) روش علمی مطالعه طبیعت و پدیده های آن..... ۸

ج) روش امام صادق (ع) در بازتولید علم..... ۸

بخش سوم: شاگردان امام صادق (ع)

الف) تأسیس نهضت علمی و فرهنگی برای تربیت شاگردان..... ۱۰

ب) تعداد شاگردان..... ۱۰

ج) شاگردان غیر شیعی..... ۱۱

بخش چهارم: چند سخن از امام درباره طلب علم..... ۱۱



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)

بخش پنجم: مناظرات امام صادق (ع) با علمای غیر شیعی

الف) امام صادق (ع) و ابو حنیفه..... ۱۲.

ب) امام صادق (ع) و مالک بن انس..... ۱۲

ج) امام صادق (ع) و سفیان ثوری..... ۱۳

بخش ششم: نکات مهم روش تربیتی امام صادق (ع)

الف) احترام شاگردان و صمیمیت با آن ها..... ۱۴

ب) انس با شاگردان..... ۱۵

ج) اجازه سخن..... ۱۵

د) بهره گیری از افراد توانا و آموزش در حین کار..... ۱۶

ه) تقدیر از تلاش های علمی..... ۱۷

و) ارجاع مردم به شاگردان خود..... ۱۷

نتیجه گیری..... ۱۸

فهرست منابع..... ۱۹



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام منظم رهبری

مقدمه

از آن جا که مسئله تعلیم و تربیت یکی از مسائل مهم جوامع بشری به شمار می رود، دیدگاه امام صادق (ع) به عنوان الگوی دین مبین اسلام درباره تعلیم و تربیت و روش آن مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. در اهمیت این بحث همین نکته بس که با تعلیم و تربیت صحیح، افراد جامعه رو به بالندگی و شکوفایی استعدادها پیش خواهند رفت و جایگاه علمی و فرهنگی خود را بازخواهند شناخت. هدف اصلی این مقاله در روشن شدن بیش از پیش جایگاه علمی امام صادق (ع) و حرکت سازنده و رو به رشد ایشان در عصر خود و عصرهای آینده است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال پدید آمده است که چه نکاتی در روش تعلیم و علم آموزی امام صادق (ع) نهفته است. توجه به این نکته ضروری است که امام صادق (ع) با اتصال به منبع قدرت بی کران خداوندی و بدون داشتن معلمی مادی دارای علمی غنی بودند که توسط آن اقدام به تأسیس دانشگاه علمی جامع و تربیت شاگردان برجسته نمودند. در این مقاله سعی شد با استفاده از منابع غنی تاریخی، شخصیت عظیم علمی امام صادق (ع) حتی در منابع غیر شیعی مورد بررسی قرار گیرد و به انصاف باید گفت این امام همام با تلاشهای گسترده خود در راه ارائه الگوی علمی و دینی بسیار زیبا عمل کردند و به گواه تاریخ شاگردانی تربیت نمودند که پایه گذاران علمی و فرهنگی و الایی برای نسل های آینده شدند. در این مقاله از روش کتابخانه ای استفاده شده است که امید است با عنایت پروردگار مورد توجه قرار گیرد.



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خراسان (مشهد)

بخش اول: معنای تعلیم و تربیت اسلامی

الف) تعریف تعلیم و تربیت اسلامی

در رویکرد تربیتی اسلام معنای تعلیم و تربیت بیشتر ناظر بر مفهوم شکوفایی استعدادها و بالفعل نمودن آنهاست و در تکمیل چنین برداشتی از مقوله تربیت، علمای اخلاق به کسب عادات و رفتارها و درونی ساختن آنها توجه خاص دارند. لذا می توان نتیجه گرفت که در چنین رویکردی، انسان موجودی است مشحون از قابلیتها و تواناییهایی نهفته و درونی که باید در جریان تربیت آشکار شود و به ظهور و بروز برسد از سوی دیگر، بسیاری از خلقیات و صفات مطلوب باید از طریق الگوگرایی و همانند سازی، در وجود وی ایجاد شود و او را به کمال برساند. بنابراین تربیت عبارت است از مجموعه روشها و فنونی که از آغاز تولد انسان، بلکه مدتها قبل از تولد باید به کار گرفته شود، تا استعدادهای درونی بشر رشد و نمو لازم را یافته و در مسیر تکامل و تعالی قرار گیرد.

اساسا برای ساختن جامعه ای نمونه و تربیت انسان های کامل و سالم از نظر جسمی و روحی، اصول و روشهایی لازم است که انسان در پرتو آنها بتواند به دور از هرگونه انحراف، مسیر سعادت و کمال را بییماید. این روش ها تحت عناوین احکام و دستورات زندگی شناخته می شوند. به عبارت دیگر تربیت عبارت است از مجموعه اعمال و رفتار و شیوه هایی که قوای جسمانی، روانی و عقلانی انسان را شکوفا ساخته تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه ای و با استمداد از درون متربی و به مدد تلاش های او به میزان توانایی و استعداد خود، رشد و پیشرفت نماید. بنابراین تربیت صحیح علاوه بر تلقینات و آموزش های مستقیم و غیرمستقیم مربی به کوشش ها و تحرک متربی نیز مربوط می شود.



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خراسان (مشهد)

در این میان آنچه اهمیت دارد، ارائه کاملترین و سالم ترین و مطمئن ترین روش های تربیتی است که علاوه بر دربرداشتن همه ابعاد و نیازهای زندگی انسان ، او را به سعادت حقیقی و زندگی جاودانه و فلاح و رستگاری نزدیک کند و از وضع موجود به کمال مطلوب برساند.

این شیوه ها و اصول تربیتی اطمینان بخش را می توان از زندگی و رفتار و گفتار اسوه های حقیقی بشر و پیشوایان راستین الهی به دست آورده و انتخاب نمود، و آن همان سیره تربیتی ائمه معصومین علیهم السلام و خاندان وحی است.

ب) تعریف علم از دیدگاه امام صادق (ع)

امام صادق (ع) علم را اینگونه تعریف میکنند: "هر چیزی که به آدمی بیاموزند علم است". و معتقد بود که بعد از اجرای احکام دین برای یک مسلمان واجبتر از ادب و علم چیزی نیست. امام صادق (ع) اعتقاد داشت که نوع بشر در دوره طولانی زندگانی خود در این جهان فقط مدتهایی کوتاه را اختصاص به علم داده است و بیشتر از علم بری بوده است و دو چیز او را از علم دور میکرد اول نداشتن مربی و معلم تا اینکه وی را تشویق به فراگرفتن علوم نماید. دوم تنبلی انسان و اینکه چون فراگرفتن علم زحمت داشت انسان از آن کار با زحمت میگریخت.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:
«اگر مردم می دانستند که در طلب دانش چه چیزی (نهفته) است ، هر آینه به دنبال آن می رفتند ولو به قیمت ریخته شدن خونشان یا فرو رفتن در اعماق دریاها باشد.»^۲ باتوجه به این کلام امام صادق (ع) به اهمیت تعلیم و تعلم میتوان پی برد.

بخش دوم: روش علمی امام صادق (علیه السلام)

الف) مؤلفه های روش علمی امام صادق (ع)

امام صادق (علیه السلام) همانند جد بزرگوارش در برنامه خویش در مساله تولید علم و تمدن سازی، مؤلفه ها و شاخصه هایی را در نظر داشت که نمی توانست از آن عدول کند. از نظر امام صادق (علیه السلام) نهضت نرم افزاری می بایست بر دو پایه اصلی

^۱ مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق (ع)، مترجم: ذبیح الله منصوری، چاپ ششم، تهران: بدرقه

جاویدان (۱۳۸۱) ص ۲۰۱ و ۲۰۲

^۲ حجتی، سید محمد باقر، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۶۵



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

تعقل و تعبد قرار گیرد. اصولاً نهضتی در بعد انسانی و تمدن سازی موفق و مطلوب است که انسان را چنان که هست بشناسد و او را موجودی تک بعدی به شمار نیاورد. از این رو، همان اندازه که نادیده گرفتن معنویت و ابعاد روحی و روانی انسان، به معنای شکست نهضت تولید علم و تمدنی و هر طرح و پروژه ی دیگری است. نادیده گرفتن تعقل و ابعاد عقلانی و عقلایی نیز بهره ای جز این نخواهد داشت.

انسان موجودی است که می بایست آرامش را در تعبد و آموزه های وحیانی بجوید و آسایش را با تعقل و به کارگیری عقل و عقلانیت و این پیامبر درونی فراهم آورد. آرامش و آسایش دو مؤلفه ی اصلی سعادت بشری است. این دو مؤلفه دو بخش و دو بعد انسانی را تامین می کند. پس برای رسیدن به آرامش، نیازمند وحی و آموزه های وحیانی یعنی تعبد است و برای رسیدن به آسایش نیازمند آن است تا از عقلانیت به درستی بهره مند گردد و آن را به خوبی به کار گیرد. از این روست که امام صادق (علیه السلام) همچون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر عقلانیت و بهره گیری از آن تاکید می ورزید.

. از دیگر شاخصه هایی که آن حضرت (علیه السلام) برای تولید علم مبتنی بر اصول وحیانی و عقلانی بیان می دارد و بر آن باور دارد، فرهنگ سازی است. به نظر آن حضرت نمی توان بدون فرهنگ سازی از جامعه امید داشت تا به اصول علمی علاقه مند باشد و در راستای تمدن سازی اقدام به تلاش علمی و کوشش عملی نماید. از این جاست که مساله ی ارزش علم و دانش آموزی در نظر آن حضرت (علیه السلام) بسیار مهم جلوه می کند و روایات بسیاری در ترغیب و تشویق علم آموزی از آن حضرت وارد می شود. در این راستا امام صادق (علیه السلام) خود به ایجاد کلاس های متعدد آموزشی و کارگاه های علم آموزی اقدام می کند. به نظر امام صادق (علیه السلام) علم می بایست پویا، اثرگذار، کاربردی و پاسخ گو باشد. از این روست که در دانشگاه آن حضرت (علیه السلام) که اختصاص به علم خاصی نداشت و همه علوم و فنون رایج تدریس می شد، نه تنها پویایی و اثرگذاری، اصل است بلکه تاکید بر کاربردی و پاسخ گو بودن به نیازهای عصری، اصل اساسی و شاخصه ی اصلی است.

دانشگاه چهار هزار نفری آن حضرت تاکیدی است بر اصل فراگیری علوم و ایجاد فرهنگ سازی عمومی در همه دانش های تمدن ساز و موثر از این روست که به شاگردان خود پاسخ هایی را می آموزد که متناسب با دانش های عصری آن روز است و به شاگردان تعلیم می دهد که روش پاسخ گویی می بایست با توجه به شرایط فردی و یا جمعی و نیز با هدف حل مشکلات و معضلات بشری باشد.^۱

ب) روش مطالعه طبیعت و پدیده های آن

^۱ محیطی، فرشته، امام صادق (ع) و بازسازی نهضت نرم افزاری و تولید علم، روزنامه کیهان



مقام منعم ربیبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خراسان (مشهد)

امتیاز برجسته امام جعفر صادق علیه السلام در این بود که با استفاده از قرآن مجید به شناخت صحیح روشهای علمی توفیق یافت

آن هنگام که امام صادق علیه السلام درباره خدا و توحید بحث می کند می بینیم که خط گردش فکری امام، مطالعه طبیعت و پدیده های آن می باشد، آن هم مطالعه ای عینی و حسی. خیانت عظیم خلفای عباسی و مخصوصاً ما مون به جامعه اسلام و علم و فرهنگ اسلامی در درجه اول این بوده است که: به منظور درهم کوبیدن عظمت علمی خاندان نبوت و ایجاد دستگامی در برابر دستگاه مذهب، دروازه های جامعه اسلامی را به روی روشهای علمی کهنه و فرسوده یونان قدیم باز کرد. روشهایی که درست در قطب مخالف روش مشاهده عینی طبیعت قرار داشت.

مسلمین می رفتند تا با استفاده از روش تحقیقاتی قرآن و امام جعفر صادق علیه السلام قدم در راه شناخت صحیح طبیعت بردارند و نخستین محصول این مکتب در اسلام، شاگرد هوشمند امام صادق علیه السلام جابر بن حیان است که می توان به حق او را پدر شیمی لقب داد. امام جعفر صادق علیه السلام با استفاده از روشهای صحیح علمی موفق شد شاگردانی بزرگ تربیت کند و دریچه های دانش خود را به ملت اسلام باز کند.

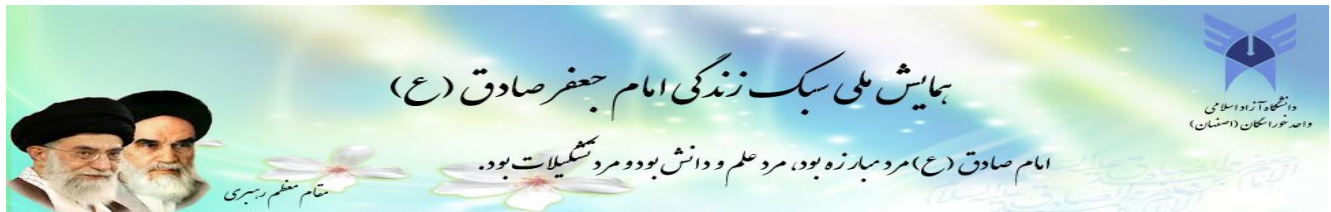
ج) روش امام صادق (ع) در بازتولید علم

در اندیشه و بینش امام صادق (علیه السلام) ترس و خطر این که علم به بیراهه رود و از اهداف اصلی خود منحرف شود، ترس روشن و پرواضحی است. نمی توان امید داشت که علم در مسیر خود حرکت کند و به بیراهه در اهداف و مقصد نرود. سوء استفاده از علم همواره وجود داشته و دارد، چنان که علم بدون نقد، تحلیل و بازتولید، هرگز به کمال نمی رسد. در بینش امام صادق (علیه السلام) برای رسیدن به علم کامل، مفید و کاربردی و سازنده، لازم است همواره از همه جهات مورد نقد و بررسی و باز تولید قرار گیرد تا به بیراهه نرود و در راستای اهداف ضد بشری به کار گرفته نشود.^۲

امام صادق (علیه السلام) در روایات بسیاری به این مهم و شاخصه ها توجه داشته و اهتمام می ورزد. از این رو همواره آثار علمی گذشتگان را نقد می کند و اشکالات و نارسایی های آن را باز می نمایاند. علوم موجود زمانه خود از فلسفه و کلام و نجوم و

^۱ همان

^۲ محیطی، فرشته، امام صادق (ع) و بازسازی نهضت نرم افزاری و تولید علم، روزنامه کیهان



ادبیات و فقه و قانون و نظام های حکومتی را نقد و بررسی و تحلیل می کند و نقاط ضعف و قوت ها آن ها را می نمایاند و با باز تولید علوم موجود زمانه، می کوشد تا کارآیی آن ها را حفظ یا افزایش دهد.

نگاهی گذرا به گزارش ها و روایات و اخبار می تواند این مطلب را به خوبی نشان بدهد و معلوم کند که آن حضرت (علیه السلام) تمدن اسلامی را چنان قدرتمند و سازنده و پویا نماید که آثار آن تا سده های چهارم و پنجم هجری بر جای ماند. بنابراین برای رسیدن به نهضت تولید علم و تمدن سازی مدرن لازم است شاخصه های مطرح شده از سوی امام صادق (علیه السلام) دوباره مورد توجه و بازخوانی قرار گیرد و دستگاه معرفتی جامعه اسلامی برپایه تعبد و عقلانیت بازسازی شود

امام صادق (علیه السلام) برای این کار از سه راه وارد شد:

اول تشکیل جلسات درس که در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تشکیل می شد و ورود به آن برای همه اعم از شیعه و اهل سنت و غیر آنان آزاد بود.

دوم تشکیل مجالس خصوصی که اغلب در منزل آن حضرت انجام می گرفت و فقط اشخاص خاص در آن شرکت می کردند.

سوم تربیت شاگردان بحاث و مبلغ امثال هشام بن حکم و مؤمن طاق^۱ و دیگران که همه جا تبلیغ می کردند و بدعت گذاران و مدعیان زعامت دینی از دستشان خواب راحت نداشتند

ارباب حدیث نام راویان موثق را که از سوی حضرت نقل حدیث کرده اند به چهار هزار نفر رسانده اند که همه با اختلاف آراء و نظراتی که داشتند از آن حضرت نقل روایت کرده اند

بخش سوم: شاگردان امام صادق (ع)

الف) تأسیس نهضت علمی و فرهنگی برای تربیت شاگردان

برای نهادینه سازی تولید علم، آن حضرت تشکیلات علمی منسجمی را پایه ریزی کرد. برای تامین نیازهای مالی با استفاده از خمس و دیگر امکانات مادی، دانشمندان جوان را در راستای تولید علم واقعی مبتنی بر اصول شیعی بسیج نمود. این اقدام امام صادق (علیه السلام) موجب شد تا حرکت های علمی فرد محور نشود و با از دست رفتن دانشمندی، علم به قهقرا نرود، بلکه دیگر شاگردان آن را ادامه دهند و به نهایت و بلوغ رسانند. چنین است که پس از مرگ هر شاگردی آن علم را به شاگردان دیگر

^۱ ابو جعفر احول



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نورسنگان (اصفهان)

منتقل کرده و دانشمندان شیعی در همه علوم سرآمد روزگار می گردند. شاگردان امام باقر (ع) پس از درگذشت آن حضرت به گرد شمع وجود امام صادق (ع) حلقه زدند. امام علیه السلام نیز با جذب شاگردان جدید به تاسیس یک نهضت عظیم فکری و فرهنگی بالنده مبادرت ورزید، به گونه ای که طولی نکشید مسجد نبوی در مدینه منوره و مسجد کوفه در شهر کوفه به دانشگاهی عظیم تبدیل شد. درگیری شدید بین بنی عباس و بنی امیه، آنان را آن چنان به خود مشغول کرده بود، که فرصتی طلایی برای امام صادق (ع) و یارانش به دست آمد، آن حضرت با استفاده از این فرصت به بازسازی و نوسازی فرهنگ ناب اسلام پرداخت و شیفتگان مکتب حق از اطراف و اکناف، از بصره، کوفه، واسط، یمن و نقاط مختلف حجاز به مرکز اسلام؛ یعنی مدینه، سرازیر شدند و چون پروانگانی دلباخته به گرد شمع وجود امام صادق (ع) تجمع کردند.

ب) تعداد شاگردان

روز به روز به تعداد شاگردان می افزود، به گونه ای که تعداد آنها به چهار هزار نفر رسید.^۱

شیخ طوسی (وفات یافته ۴۶۰ ه.ق) در کتاب رجال خود تعداد شاگردان امام صادق (ع) را ۳۱۹۷۱ مرد و ۱۲ زن نام می برد. در این دانشگاه عظیم صدها مجتهد، استاد، دانشمند و محقق تربیت شدند، که هر کدام از شخصیت های بزرگ علمی به شمار می آمدند، و گروهی از آنان دارای آثار علمی و شاگردان متعدد شدند. شیخ مفید (وفات یافته ۴۱۳ ه.ق) می نویسد: «به قدری علوم از امام صادق (ع) نقل شده که در همه جا پخش شده، و زبان به زبان به گردش درآمده است، و از هیچ یک از افراد خاندان رسالت، آن همه علم و حدیث، نقل نشده است.»^۲ در آن عصر، هزارها نفر از محضر علمی امام بهره می بردند. جمیل دراج، عبد الله بن مسکان، ابان بن تغلب، ابوحمزه ثمالی و فقهای بزرگ و محدثین عالیمقام دیگر همه از شاگردان امام علیه السلام بوده اند. می نویسند: وقتی که حضرتش به کرسی درس جلوس می فرمود صدها تن عالم و فقیه و متکلم محضرش را پر می کردند و تعداد شاگردان آن حضرت را تا چهار هزار نفر ثبت کرده اند. در گزارش های تاریخی از جابر بن حیان به عنوان بنیانگذار علم شیمی و از ابن هشام به عنوان بنیانگذار علم اصول و مانند آن یاد می شود که بیانگر میزان نقش امام صادق (علیه السلام) در ایجاد نهضت علمی تولید علم و تمدن سازی است. شاگردان امام از نقاط مختلف همچون کوفه، بصره، واسط، حجاز و امثال اینها و نیز از قبائل گوناگون مانند: بنی اسد، مخارق، طی، سلیم، غطفان، ازد، خزاعه، خثعم، مخزوم، بنی ضیه، قریش بویژه بنی حارث بن عبدالمطلب و بنی الحسن بودند که به مکتب آن حضرت می پیوستند. در وسعت دانشگاه امام همین قدر بس که «حسن بن علی بن زیاد و شاء» که از شاگردان امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعاً سالها پس از امام صادق علیه السلام زندگی

^۱ شیخ مفید، الارشاد، قم: منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۱

^۲ شیخ مفید، الارشاد، قم: منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۰.



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تکلیفات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نورسنگان (اصفهان)

می‌کرده)، می‌گفت: «در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می‌کردند.» امام صادق علیه‌السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته‌ای که با ذوق و قریحه‌ی او سازگار بود، تشویق و تعلیم می‌نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، علم کلام، و امثال اینها تخصص پیدا می‌کردند.

ج) شاگردان غیر شیعی

شاگردان امام صادق (ع) به شیعیان انحصار نداشتند، بلکه دیگران نیز از خرمن فیض او خوشه می‌چیدند. مالک، پیشوای فرقه «مالکی» در ضمن گفتاری گوید: «در علم و عبادت و پاک‌زیستی، برتر از جعفر بن محمد (ع) هیچ چشمی ندیده، و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.»^۱ ابوحنیفه پیشوای فرقه حنفی، دو سال شاگرد امام صادق (ع) بود، به طوری که این دو سال را اساس و سرمایه اصلی علوم خود دانسته و می‌گوید: «لولا السنتان لهلك نعمان؛ اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می‌شد.» همچنین امام صادق علیه‌السلام با تمام جریانهای فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرد و موضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخته برتری بینش اسلام را ثابت نمود.

بخش چهارم: چند سخن از امام صادق (ع) درباره طلب علم

«اطلبوا العلم من معدن العلم، و ایاکم و الولایح فهم الصادون عن الله: علم را از معدنش طلب کنید، و از کسانی که علم را به خود چسبانیده اند و به ظاهرشان آراسته اند ولی علم به باطنشان نرسیده است اجتناب نمایید، زیرا که آن جماعت راه خدا را بر روی مردم می‌بندند و قاطعان طریق خدا می‌باشند.»

یکی از برنامه‌ها و روشهای تعلیمی در فرهنگ اسلامی (مثل مکتب امام صادق (ع)) این بود که بعضی از دانشمندان و محدثین مطالبی را که درباره موضوع خاصی جمع‌آوری کرده بودند و همچنین نتیجه تحقیقات شخصی خودشان را به صورت املا در جلسات علمی به طالبان علم و دانش القا میکردند و آنان نیز آن مطالب را یادداشت میکردند.^۳

^۱ ابن حجر، العسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۵۳.

^۲ حسینی طهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، چاپ پنجم، طهران: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام و علامه طباطبایی ۱۴۳۱ ق، ج ۱، ص ۳۳

^۳ جعفری، یعقوب، مسلمانان در بستر تاریخ، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی (۱۳۷۱) ص ۱۷۲



مقام معلم ربیبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوارسکان (اصفهان)

بنابراین امام جعفر صادق (ع) به شاگردانشان دستور می دهند تا آنچه را که تعلم می کنند محفوظ دارند و بنویسند و لهذا می فرمایند: «اكتبوا فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا» بنویسید زیرا شما علمتان را نمیتوانید حفظ کنید مگر زمانی که آن را بنویسید.»

بخش پنجم: برخی از مناظرات امام صادق (ع) با علمای غیر شیعی

امام صادق (علیه السلام) ضمن انجام مناظرات فراوان با منحرفان فکری و اعتقادی اعم از مادیین و زنادقه، خوارج یا علماء معتزله و دیگر علماء اهل سنت، از شرایط زمان و مکان برگزاری این محافل برای تبلیغ رسالت الهی خویش سود می جستند.

الف) امام صادق و ابو حنیفه

یکی از فقهای که از محضر امام صادق بهره وافری برده و مذاکرات علمی او با امام صادق مشهور می باشد، ابو حنیفه نعمان بن ثابت است که وقتی از او پرسیده شد: فقیه ترین کسی که مشاهده کرده ای کدام است؟ در جواب فرمود: هیچ کس را فقیه تر از جعفر بن محمد ندیده ام، وقتی منصور خلیفه عباسی جعفر بن محمد را احضار کرده بود به من گفت که مردم بشدت شیفته جعفر بن محمد شده اند، پس برای محکوم ساختن مشکل ترین مسائلی را که به نظرت می رسد آماده کن، من چهل مسئله مشکل علمی را آماده نمودم و به حضور منصور رفتم و دیدم که جعفر بن محمد سمت راست او نشسته است، با مشاهده او آنچنان تحت تأثیر ابهت و عظمت او قرار گرفتم که چنین حالتی از دیدن منصور به من دست نداد، سلام کردم و نشستم، منصور رو به جعفر بن محمد کرد و گفت: آیا او را می شناسی؟ فرمود: آری، سپس به من گفت: مسائل خود را مطرح کن تا از ابی عبدالله پرسیم. پس شروع کردم به طرح مسائل و امام صادق در هر مورد می فرمود: شما در این مسئله چنین می گوئید و اهل مدینه نظرشان چنان است و نظر ما هم این است، که در برخی موارد با ما موافق بود و در برخی موارد با اهل مدینه، و در برخی مسائل نظرش با همه متفاوت بود، تا اینکه هرچهل مسئله را بی کم و کاست مطرح نمودم. سپس امام ابوحنیفه فرمود: مگر نه این است که داناترین مردم آن کسی است که به اختلاف علما در فتاوا و مسائل فقهی آگاهتر باشد؟^۲

این حکایت تاریخی اولاً بیانگر مقام و منزلت والای علمی امام صادق است و ثانیاً تأثیر و نفوذ عمیق ایشان را در توده مردم و خوف و هراس حکام آن زمان را از این تأثیر و نفوذ به خوبی نشان می دهد که خود دلیل دیگری بر شأن و منزلت وی می باشد.

^۱ شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲، حدیث نهم و یازدهم

^۲ مجلسی، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران: مکتبه الاسلامیه (۱۳۹۵ ه.ق)، ج ۴۷، ص ۲۱۷.



مقام معظم رهبری

به‌ایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد بشکلیات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خراسان (مشقان)

ب) امام صادق و مالک بن انس

یکی از فقهای برجسته اسلامی که از محضر امام جعفر صادق بهره مند گشته است، مالک می باشد که پیوسته در مجلس امام صادق حاضر می شده و با ایشان ارتباط مستحکمی داشته است تا آنجائیکه در این باره می فرماید: مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می کردم و هر بار که به نزد او می رفتم او را بر یکی از این سه حالت مشاهده می کردم: یا در حال نماز بود یا در حال تلاوت قرآن و یا روزه دار، و ندیدم که بدون وضوء حدیثی را روایت کند.^۱

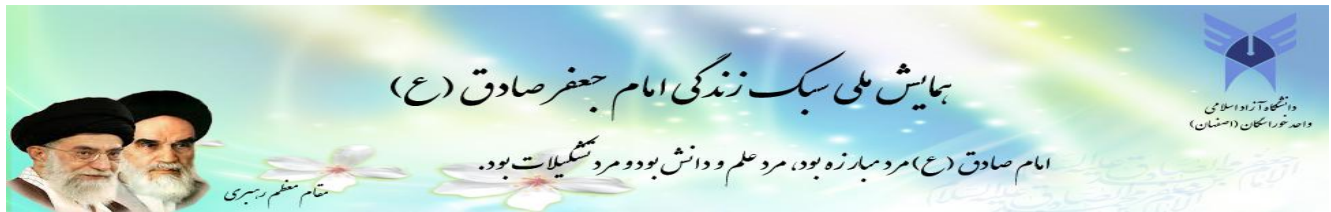
بسیاری از شاگردان امام صادق علیه السلام در حلقه‌ی درس محدثان اهل سنت حاضر می شدند و به نوبه‌ی خود تأثیراتی در طرز تفکر و تلقی آنها بر جای می گذاشتند. در میان اصحاب و پیروان امام صادق علیه السلام کسانی وجود داشتند که به واقع از شیعیان آن حضرت بودند و در حفظ آثار علمی و روایی آن بزرگوار، تلاش‌های مداوم و خستگی ناپذیری از خود نشان می دادند.

ج) امام صادق و سفیان ثوری

سفیان ثوری یکی از محدثین و مجتهدین آن عصر نیز، از شاگردان امام صادق بوده که از محضر ایشان بهره زیادی برده و شدت تحت تأثیر وی قرار داشته است. او نسبت به اهل بیت و خاصه امام جعفر صادق احترام و ارادت خاصی داشت و همواره از او کسب فیض می نمود. روزی در مجلس امام صادق بود و اصرار داشت که امام صادق برایش حدیثی یا موعظه‌ای بیان نماید که امام صادق نیز درخواستش را اجابت نموده، به او چنین فرمود: [ای سفیان، هرگاه خداوند به تو نعمتی داد که دوست داشتی آن نعمت مستدام باشد پس زیاد حمد و سپاس خدا را بگو، زیرا که خداوند فرموده است: (اگر شکرگزار باشید نعمت شما را می افزایم)، و هرگاه رزق و روزیت به تأخیر افتاد زیاد استغفار کن که خداوند فرموده است (از خدایتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است، تا باران رحمتش را بر شما سرازیر کند و شما را با مال و فرزند امداد کند) و هرگاه از حاکمی دلهره و وحشت داشتی زیاد (لا حول ولا قوة الا بالله) بگو که همانا این جمله کلید گشایش و گنجینه‌ای از گنجینه‌های بهشت است]. سفیان ثوری در حالیکه از آنچه فرا گرفته به وجد آمده بود گفت: سه اندرز، و چه سه اندرزی!

این حکایت نیز گویای همان تأثیر و نفوذ امام صادق و مقبولیت و محبوبیتی است که وی نزد علما و فقهای مشهور عصر خود داشته و بطور عام بیانگر ارادت و احترامی است که علمای ربانی برای اهل بیت قائل بوده اند. و از طرفی مبین این حقیقت است که این تعصبات و تنگ نظریهایی که در حال حاضر علمای فرق اسلامی را از هم دور و نسبت به هم بدبین نموده است، در بین شخصیتهایی که همین علما خود را منتسب به آنها و پیرو و ارادتمند آنها می دانند، وجود نداشته و با وجود اختلاف نظری که در

^۱ ابن حجر، العسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ. ق. ج ۱، ص ۸۸.



بین آنها بوده، نه تنها هیچگونه کدورت و بغض و کینه ای در میان آنها نبوده، بلکه روابطی توأم با صمیمیت و احترام متقابل و انصاف نسبت به همدیگر و خیرخواهی و حق جویی و تبادل افکار، در میان آنها برقرار بوده است.

بخش ششم: نکات مهم روش تربیتی امام صادق (ع)

الف) احترام شاگردان و صمیمیت با آن ها

ابان بن تغلب

ابان بن محمد بن ابان بن تغلب گوید: از پدرم شنیدم که می‌گفت به اتفاق پدرم ابان بن تغلب خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم؛ همین که نگاه امام به پدرم افتاد دستور داد بالش برای پدرم نهادند و با پدرم مصافحه و معانقه کرد و به او خوش آمد گفت.^۱

فضیل بن یسار

هرگاه امام فضیل بن یسار را می‌دید می‌فرمود: بشر المخبّتين، سپس می‌فرمود: هر که دوست دارد به سوی مردی از اهل بهشت نظر کند، به او نگاه کند. و آنگاه می‌افزود: فضیل از اصحاب پدر من است و من دوست می‌دارم کسی را که دوست بدارد یاران پدرش را.^۲

هشام بن محمد

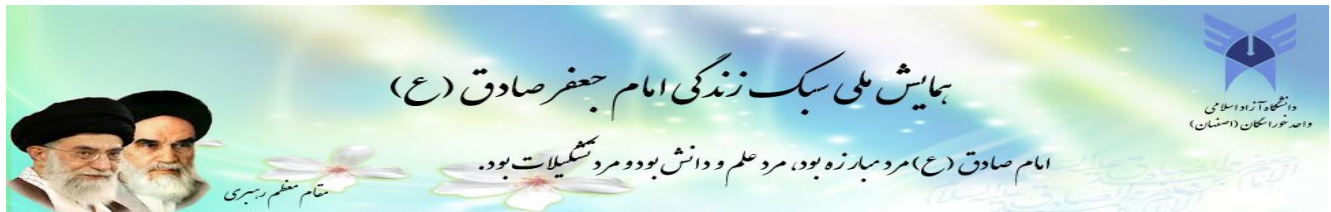
امام علیه السلام نسبت به هشام بن محمد السائب کلبی بسیار عنایت داشت به گونه‌ای که هرگاه بر حضرت وارد می‌شد، امام صادق او را در نزد خود می‌نشاند و با او با گشاده‌رویی و انبساط سخن می‌گفت.^۳

حمران

^۱نجاشی، الرجال، ص ۸.

^۲سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۰.

^۳قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۹.



به‌ایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام منظم رهبری

بکیر بن اعین در ایام حج بر امام صادق وارد شد. حضرت سراغ حمران را از او گرفت. بکیر گفت: امسال نتوانسته به حج بیاید با آنکه شوق شدیدی داشت که به حضور شما شرفیاب شود، لکن به شما سلام رساند. حضرت فرمود: بر تو و بر او سلام باد... حمران مؤمن است و از اهل بهشت می‌باشد.^۱

چهار نفر از نیکان

امام صادق علیه السلام درباره چهار نفر از یاران و شاگردان خود فرمود: استوانه‌های زمین و پرچمهای دین چهار نفرند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن البختری مرادی و زراره بن اعین.^۲

همچنین درباره این چهار نفر فرمود: همانا یاران پدرم افتخار ما هستند چه در حیات و چه پس از مرگشان که آنها زراره، محمد بن مسلم، لیث مرادی و برید عجلی می‌باشند. قیام کنندگان به عدل و داد و صدق و راستی با آنانند، آنها پیشتازان پیشتازانند و آنان مقربان درگاه حق تعالی می‌باشند.^۳

ب) انس با شاگردان

امام صادق علیه السلام شاگردان و یاران خود را دوست می‌داشت و به هنگام دیدارشان شادی و خوشحالی می‌کرد و بارها این سرور و شادمانی از آن حضرت دیده شد. اینها نمونه‌هایی از آن است:

روزی آن حضرت شخصی را به دنبال ابوحمزه فرستاد و او را طلبید. چون وارد شد، حضرت فرمود: انی لاستریح اذا رایتک.^۴ ای ابوحمزه وقتی که تو را می‌بینم قلبم آرام می‌شود.

. یاران و شاگردان آن حضرت در کوفه معرفت بسیار بالایی نسبت به امام داشته‌اند و بدین جهت حضرت نیز متقابلاً از حضور آنها شاد می‌گشته و اگر روزی یکی از آنها را نمی‌دیده است، وی را مورد تفقد قراد می‌داده است و نسبت به برخی افراد همانند ابوحمزه، تقاضا می‌کنند تا به حضورشان شرفیاب شود.

ج) اجازه سخن

^۱ شاگردان مکتب ائمه، ج ۱، ص ۲۶۱.

^۲ نجاشی، الرجال، ص ۲۳۹.

^۳ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۷.

^۴ شاگردان مکتب ائمه، ص ۱۰۰.



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معلم ربیبری

با اینکه در بسیاری از موارد هیبت امام صادق علیه السلام به هیچ کس اجازه نمی‌داد تا به خود جرئت سخن گفتن در محضر آن حضرت را بدهد و تمام یاران و شاگردان امام به گوش جان سپرده بودند اما این امام بود که به برخی از یاران دستور می‌داد تا سخن گویند.

روایت شده است که عده‌ای در محضر آن حضرت مناظره و گفتگو می‌کردند و حمران بن اعین ساکت بود. حضرت به او فرمود: ای حمران چرا تو ساکتی و سخن نمی‌گویی؟

حمران گفت: ای آقای من! سوگند یاد کرده‌ام که در مجلسی که شما در آنجا حضور دارید هرگز سخن نگویم. حضرت فرمود: من به تو اذن دادم، حال سخن بگو.^۱

د) بهره‌گیری از افراد توانا و آموزش در حین کار

امام صادق علیه السلام با ارزیابی قابلیت‌ها و توانمندی‌های شاگردان خود، برخی از آنها را برای پاره‌ای از مسائل و پیش‌آمدها و پاسخ به سؤالات و گفتگوهای علمی پرورش داده بود. مثلاً در مباحث کلام و مباحث اعتقادی به ویژه مسائل امامت، زیدگانی همانند حمران بن اعین و هشام بن سالم و محمد بن النعمان احوال و قیس ماصر و هشام بن الحکم و غیر آنها را تربیت کرده بود و به موقع از آنها استفاده می‌کرد.

یونس بن یعقوب گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی از اهل شام بر آن حضرت وارد شد و اظهار داشت من مردی هستم صاحب کلام و فقه و فرایض؛ اکنون آمده‌ام تا با یاران بحث و گفتگو و مناظره کنم. حضرت فرمود: این علم کلامی که تو از آن دم می‌زنی از کلام رسول خداست یا ساخته ذهن خود تست؟

مرد گفت: بخشی از کلام رسول خدا و بخشی از خودم است. امام فرمود: پس تو شریک رسول خدا هستی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس به تو وحی رسیده است؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس اطاعت تو واجب است همان گونه که اطاعت از پیامبر واجب می‌باشد؟ گفت: نه.

اینجا بود که حضرت به من رو کرد و فرمود: ای یونس! این مردی است که پیش از آنکه سخن گوید خود را محکوم کرده است. سپس فرمود: ای یونس اگر کلام را خوب می‌دانستی، با او مناظره می‌کردی. یونس گفت: بسی جای حسرت است ولی ما از شما

^۱ سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۳۴.



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد بشکلیات بود.



واحد خورشید (استان)

شنیدیم که از کلام نهی کردید... حضرت فرمود: من گفتم وای بر مردمی که سخن مرا ترک گویند و به سوی آنچه که خود می‌خواهند بروند.

سپس فرمود: اکنون بیرون رو و بین چه کسانی از صاحبان کلام را می‌یابی؛ آنها را نزد من بیاور. گوید: بیرون رفتم و حمران بن اعین و محمد بن النعمان احول و هشام بن سالم و قیس بن ماصر را دیدم، که همه آنها از متکلمین بودند. پس آنها را به حضور امام بردم وقتی که در چادر امام نشستیم، آن حضرت سر خود را از خیمه بیرون برده بود، گویا انتظار کسی را می‌کشید. نگاهمان به شتر سواری افتاد که از دور نمایان بود. حضرت فرمود: سوگند به خدای کعبه هشام است که می‌آید.

ما خیال کردیم هشام مردی از اولاد عقیل است که امام بسیار او را دوست می‌داشت. ناگهان هشام بن الحکم که در آن روز جوانی بود و تازه مو بر صورتش بیرون آمده بود از در وارد شد. امام پس از خوش آمد گویی، جایی برای او باز کرد و فرمود: ناصرنا بقلبه و لسانه و یده. سپس به حمران فرمود: با مرد شامی سخن بگو. حمران سخن را آغاز کرد و در گفتگوی خود بر او غالب شد. سپس به ابوجعفر احول فرمود: ای طاقی با او مناظره کن. او نیز به دستور امام با شامی سخن گفت و بر او غالب گشت. آنگاه هشام بن سالم را فرمود و او نیز به بحث و گفتگو پرداخت و غالب گشت. سپس به قیس ماصر دستور سخن داد و در پایان در حالی که از طرز سخن گفتن آنان و چیرگی‌شان بر شامی خوشنود بود و تبسم می‌کرد، به او گفت با این جوان (هشام بن الحکم) گفتگو کن.^۱

ه) تقدیر از تلاشهای علمی

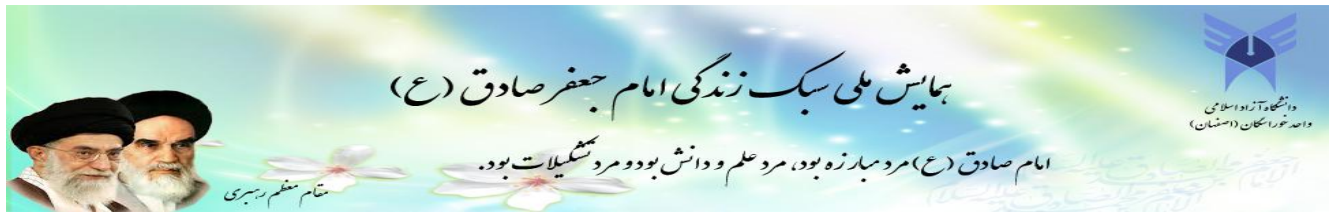
نیز به سلیمان بن خالد فرمود: هیچ کس احادیث پدرم را زنده نکرد مگر زراره و ابوبصیر و لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلوی و...؛ اینان حافظان دین و امنای پدرم بر حلال و حرام خدا هستند.^۲

و) ارجاع مردم به شاگردان خود

از دیگر نشانه‌های روابط بسیار خوب امام و شاگردان خود آن است که بسیاری از مردم را که دور از مدینه به سر می‌بردند و دسترسی به آن حضرت نداشتند، به برخی از شاگردان عالم و فقیه خود که پاسخگوی نیازهای دینی و اعتقادی مردم بودند ارجاع می‌داد؛ مثلاً به فیض بن مختار فرمود: هر وقت خواستی بر حدیث ما دست‌بیبایی، آن را از این شخص که اینجا نشسته است بگیر؛ و با دست خود به زراره بن اعین اشاره فرمود.

^۱ شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۶۱.

^۲ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۶۵.

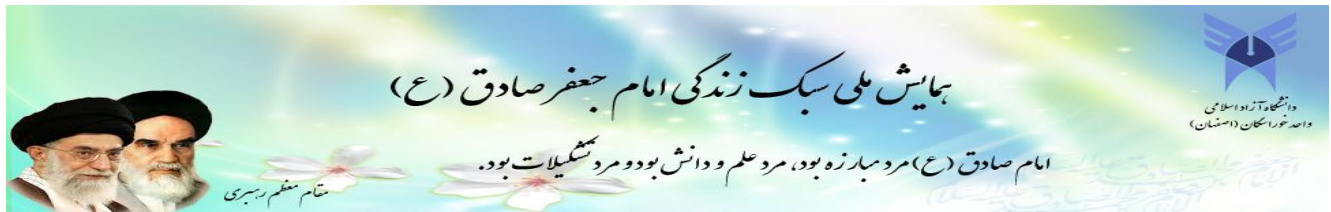


به شعیب عترقوفی که به امام جعفر صادق علیه السلام گفته بود بسا می شود به برخی از مسائل نیاز پیدا می کنیم؛ آنها را از چه کسی بپرسیم؟ فرمود: بر تو باد بر اسدی یعنی ابوبصیر.^۱

نتیجه گیری

از خدمات برجسته امام صادق (علیه السلام) این بود که همه را به جای خود نشانده و با منطق مستدل آسمانی و با برهان علمی و از روی مبانی صحیح علم و عقل و خرد بر همه ثابت نمود که علم با دین دو حقیقت نیست و تضاد ندارد و مغایرتی در عمل پیدا نمی کند بلکه علم و دین مؤید یکدیگر هستند. فلسفه و علوم طبیعی و ریاضی و هندسی و عقلی و منطقی نه تنها با

^۱ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۱.



دین اسلام مخالفت و تضادی ندارد بلکه ضرورت پیوستگی دارد مانند شناخت قبله که محتاج تاریخ و جغرافیا و ریاضیات و هندسه است و با ندانستن این علم شناخت قبله در اطراف دنیا مشکل می نماید.

دین و علم با هم پیوسته و متلازم یکدیگرند. امام صادق (ع) روش عقاید را براساس منطق و فلسفه ملل و نحل درس می داد. علمای مسیحی در مجمع علمی پادشاهی لندن در چند قرن پیش گفتند دین مانع تحقیقات علمی نیست و امام جعفر صادق (ع) در نیمه اول قرن دوم مدرسه تحقیقات علمی و انتقادات را آزاد اعلام فرمود و بنیان نهاد و تا هر کس هر عقیده ای دارد روی آن بحث کند و دین و حقایق بهتر شناخته شود. امام با استدلال علمی و منطقی از راه تاکتیک خود به تربیت شاگردانی همت گمارد که هر کدام سرآمد بوده اند.

در همان عصر امام صادق (ع) با رهبانیت و گوشه گیری و انزوا به مخالفت برخاست و فرمود انسان نمی تواند حساب خود را از حساب جامعه جدا نماید زیرا انسان مدنی بالطبع است و مدنی بودن ملازمه دارد که با جمع باشد و حواجی خود را با یکدیگر برآورند و معاش اجتماعی را تأمین نمایند.

آنچه از مکتب جعفری و دانش و بینش آن به دست می آید این است که امام جعفر صادق (ع) در تمام این مدت و این کمیت و کیفیت نفرموده من چنین می گویم و نظرم و تئوری من این است. بلکه فرموده من از پدرم شنیدم و او از پدرش نقل کرد و او از پدرش تا پیغمبر خدا و زبان وحی رسید پس منبع این همه علوم وحی و افاضات اشراقیه الهیه است که به وسیله پاکترین نفوس تربیت شده و مصون از خطا است. از امتیازات مکتب جعفری این است که علم را با عمل و تقوی را با فضل و فضیلت آمیخته و آموخته است او وارث علوم اولین و آخرین از انبیاء و مرسلین بود و مکتبی را در دنیا نمی شناسیم که مانند مکتب جعفری حاوی این همه علوم و این همه فضیلت و تقوی باشد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. العسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد بهیئیات بود.



والتحکام آزاد اسلامی
واحد نورسنگان (استان)

۲. جعفری، یعقوب، (۱۳۷۱)، مسلمانان در بستر تاریخ، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. حجتی، سید محمد باقر، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، تهران.
۴. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۳۱ ه ق)، امام شناسی، چاپ پنجم، طهران: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام و علامه طباطبایی.
۵. شیخ کلینی، اصول کافی.
۶. شیخ مفید، الارشاد، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.
۷. عالمی، محمد علی، شاگردان مکتب ائمه.
۸. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار.
۹. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال.
۱۰. مجلسی، (۱۳۹۵)، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۱. ممقانی، محمد حسن، (۱۳۸۸)، تنقیح المقال، مترجم: محفوظی، سید حسین، نشر حبیب.
۱۲. محیطی، فرشته، امام صادق و بازسازی نهضت نرم افزاری و تولید علم، روزنامه کیهان.
۱۳. مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق (ع)، مترجم: منصور، ذبیح الله، تهران: بدرقه جاویدان.
۱۴. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷ ق)، الرجال، قم: جامعه مدرسین.